



Predicting parenting styles based on educational motivation and critical thinking mediated by hardiness in second grade female students

Parnian Rezazadeh, M.A

Family Counselling, Safahan University, Esfahan, Iran

Mahboubeh Aslami, Ph.D

Assistant Professor of Education and Psychology,

Department of Payame Noor University, Tehran, Iran

Soroush Alimardani, PhD Student

psychology, Islamic Azad University, Neka Branch, Neka, Iran.

Abstract

The purpose of this present study was to investigate the experience of the research participants after mourning the death of a family member. This study used a descriptive phenomenological research approach to collect and analyze data. This study participants consisted of 12 married or unmarried men and women with a diploma to a master's degree and in the age range of 30-50 years, who had the experience of staying in the mourning of a family member such as a child, parent, spouse or co-workers. Purposeful sampling was the selection and collection of data through in-depth interviews. The interview questions were open-ended (supplementary) with a general question: Tell us about your experience after the death of your loved one? It was starting. In the continuation of the interview, to explore the phenomenon in depth, follow-up questions such as can you explain more about this?. The participants attended in-depth interviews until data saturation was reached. Data analysis revealed 4 themes and 12 subthemes for the phenomenon, including: Psychological mechanisms with sub-themes: emotional mechanisms, behavioral mechanisms and cognitive mechanisms; Family contexts with sub-themes: lack of emotional support and family support, lack of functioning and change in family structure, lack of family transfer from mourning stages and non-functioning of family subsystems; Personal contexts with sub-themes: Interfering personality traits, the deceased's place in the phenomenal world of the individual, the impact of the individual's past experiences; Attitudes were with the sub-themes of religious or non-religious attitude and acceptance or non-acceptance of the fact of death. The findings of this study extend past literature on mourning in the family context. The aim of this study was to predict parenting styles based on educational motivation and critical thinking with respect to the mediating role of hardiness. The research method was applied research and its implementation method was descriptive (non-experimental) and the research design was relational - Correlation and mediator analysis. The statistical population of this study was female primary school students in KARAJ (district 4) in 2017, from which 400 people were selected by multi-stage cluster sampling. Research data were collected through these ways: parenting style questionnaire (Baumrind, 1971), educational motivation questionnaire (Harter, 1980), Ricketts critical thinking orientation questionnaire (Ricketts, 2003) and Ahvaz Hardiness Inventory, (2000). In order to test the hypotheses and analyze the data, multiple regression and SOBEL test were used. The results showed that there is a significant relationship between dictatorial, authoritarian and negligent parenting styles with students' educational motivation and critical thinking ($P = 0.001$). Also, educational motivation and critical thinking were able to predict parenting styles due to their hardiness.

Keywords: parenting styles, educational motivation, critical thinking, hardiness, grade female students.

پیش‌بینی سبک‌های فرزندپروری بر اساس انگیزش تحصیلی و تفکر انتقادی با میانجی‌گری سخت‌رویی دانش‌آموزان دختر پایه ابتدایی

پرنیان رضازاده*

دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه صفهان، اصفهان، ایران

محبوبه اسلمی

استادیار گروه علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

سروش علیمردانی

کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نکاء، نکاء، ایران.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی سبک‌های فرزندپروری بر اساس انگیزش تحصیلی و تفکر انتقادی با توجه به نقش میانجی سخت‌رویی انجام شد. روش تحقیق کاربردی و روش اجرای آن، توصیفی (غیر آزمایشی) و طرح پژوهش، رابطه‌ای از نوع همبستگی و تحلیل میانجی بود. جامعه آماری مورد مطالعه این پژوهش دانش‌آموزان دبستانی دختر در ناحیه ۴ آموزش و پرورش کرج در سال ۱۳۹۶ بود که از بین آنها ۴۰۰ نفر با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. داده‌های پژوهش از طریق پرسشنامه شیوه فرزندپروری (Baumrind, 1971)، پرسشنامه انگیزش تحصیلی (Harter, 1980)، پرسشنامه گرایش به تفکر انتقادی (Ricketts, 2003) و پرسشنامه سرسختی روانشناختی اهواز (Ahvaz Hardiness Inventory, 2000) جمع‌آوری شد و به منظور بررسی فرضیه‌ها و تحلیل داده‌ها از روش رگرسیون چندگانه و آزمون سوبل استفاده شد. بررسی نتایج پژوهش نشان داد بین سبک‌های فرزندپروری مستبدانه، مقتدرانه و سهل‌گیرانه با انگیزش تحصیلی و تفکر انتقادی دانش‌آموزان رابطه معنی‌داری دارند ($P=0/001$). همچنین انگیزش تحصیلی و تفکر انتقادی بواسطه سخت‌رویی توانایی پیش‌بینی سبک‌های فرزندپروری را دارا بودند.

واژگان کلیدی: سبک‌های فرزندپروری، انگیزش تحصیلی، تفکر انتقادی، سخت‌رویی، دانش‌آموزان دختر، پایه ابتدایی

مقدمه

والدین زیادی تا حدود نیم قرن پیش انتظار داشتند فرزندان آن‌ها بدون هیچ چشم‌داشتی از قوانین و دستوراتشان پیروی کنند ولی امروزه بسیاری از والدین مانند گذشته چنین انتظاراتی ندارند. با افزایش دانش عمومی و توجه به گسترش اطلاعات در مورد سبک‌های فرزندپروری (Parenting Styles) و نحوه تربیت و آموزش پرورش فرزندان، نگرش والدین در این زمینه‌ها تغییر کرده است (Amelia, 2012). برای تربیت فرزندان الگوهای استاندارد با عنوان سبک‌های فرزندپروری تعریف شده است که با آداب و پاسخ‌های معین والدین به رفتارهای فرزندان مشخص می‌شود و این سبک‌ها به عنوان مجموعه‌ای از نگرش‌ها نسبت به کودک در نظر گرفته می‌شود که منجر به ایجاد جو هیجانی شده که رفتارهای والدین در آن جو و شرایط رخ می‌دهد (Brent, Lorig, Danielle, 2010).

مفهوم سبک فرزندپروری با تکیه بر نظریات بامریند (Baumrind, 1971) شکل گرفته است، وی سه سبک برای فرزندپروری والدین پیشنهاد می‌کند: مستبد (authoritarian)، مستقل (authoritative)، آسان‌گیر (permissive). والدین مستقل از فرزندان‌شان رفتارهای پخته انتظار دارند و موازین رفتاری را بطور روشن برای آنها وضع می‌کنند و کودکان‌شان را به مستقل بودن تشویق می‌کنند و نسبت به فرزندان‌شان روی گشاده و انعطاف‌پذیری دارند. در مقابل، والدین مستبد برای حفظ اقتدار خودشان اهمیت زیادی قائل‌اند و تلاش‌های فرزندان برای چالش کشیدن این اقتدار را به شدت سرکوب کرده و به فرزندان اجازه بحث با آنان را نمی‌دهند و به‌طور مستقل و به تنهایی تصمیم می‌گیرند. همچنین والدین آسان‌گیر اجازه می‌دهند تا فرزندان‌شان رفتارهای خود را تنظیم کرده و برای خودشان تصمیم بگیرند و هیچ قاعده و قانونی برای نظارت بر رفتارهای کودکان‌شان وضع نمی‌کنند (Moradian, Alipour, Shehni Yailagh, 2014).

نکته قابل توجه اینکه، کودکان و نوجوانان از گروه‌های مهم در کشورند و نقش مهمی در ساختن آینده دارند و یکی از عواملی که باعث پیشرفت و عدم پیشرفت کودکان می‌شود همین تاثیرپذیری از سبک فرزندپروری والدین آنان می‌باشد.

موفقیت آنان و پیشرفت تحصیلی‌شان از مهمترین دغدغه‌های هر دانش‌آموز، والدین و نظام آموزشی کشور است. اینکه فرزندان بتوانند در آینده گلیم خود را از آب بیرون بکشند و از پس وظایفی که به آن‌ها محول می‌گردد، بخوبی برآیند از مهمترین دغدغه‌های والدین است (Marwat, Salimi, Bejestani, Farahbakhsh, 2012). حال آنکه برای دستیابی به موفقیت تحصیلی به انگیزش تحصیلی نیاز است. روانشناسان و پژوهشگران، تمایل فرد به تلاش برای کسب موفقیت یا احساس خوشایند ناشی از موفق شدن در انجام دادن وظایف را انگیزه پیشرفت تعریف کرده‌اند (Acharya, Joshi, 2009).

این والدین هستند که می‌توانند از طریق سبک‌های فرزندپروری خود اثرات بسیار مهم و چشمگیری در پیشرفت تحصیلی فرزندان‌شان در سطوح مختلف آموزش داشته باشند. پیشینه‌پژوهشی نشان داده است که بین سبک فرزندپروری مقتدر با عملکرد تحصیلی رابطه مثبت و معنادار و بین سبک‌های فرزندپروری مستبد و آسان‌گیر با عملکرد تحصیلی رابطه منفی وجود دارد (Ejei, Gholamali, Abesha, 2012). Ingoldby, Lavasani, Malahmadi, Khezri, 2011. (Schvaneveldt, Supple, Bush, 2004; Baumrind, 1971).

از آنجایی که سبک‌های فرزندپروری را یکی از ویژگی‌های والدین می‌دانند که با تعدیل اعمال خاصی که والدین انجام می‌دهند و تغییر تجربه‌پذیری فرزندان در فرایند اجتماعی شدن، بر کوشش‌های والدین بر فرزندان تاثیر می‌گذارند (Baranoff, Oei, 2009) و از آنجایی که دانش‌آموزان با انبوهی از اطلاعات و محرکات مواجه هستند و ناچارند برای استفاده درست و مناسب از آنها و تصمیم‌گیری و انتخاب درست، دست به ارزیابی و نقد آنها بزنند، لذا می‌توان گفت یکی از فرایندها و مهارتهای مورد نیاز برای موفقیت و سازگاری در جامعه فعلی گرایش‌ها و مهارت‌های انتقادی فرد است (Salari, Karshki, Abdulkhodai, 2013).

Paul (1995) معتقد بود تفکر انتقادی (Critical thinking) مبنای اساسی در آموزش است و برای انطباق با نیازهای شخصی، اجتماعی و حرفه‌ای قرن بیست و یکم باید از آن سود جست و مورد استفاده قرار داد (McGuire, 2010). در واقع تفکر انتقادی یعنی برخورداری از یکی از فرایندهای عالی

ذهن که باعث می‌شود فرد به تعیین اعتبار، صحت و ارزش اطلاعاتی که همواره در معرض آنها قرار دارد پرداخته و با ارزیابی و نگاه انتقادی از وضعیت و شرایط، یک فرآیند ضروری و مثبت برای رشد و تکامل در داخل هر جامعه و سازمان را رقم بزند. به همین دلیل تفکر انتقادی همه فعالیت‌های زندگی مانند روابط بین‌فردی و کار را شامل می‌شود (Aktamis, Yenice, 2010). با توجه به اهمیت گرایش‌ها و نگرش‌های انتقادی در زندگی روزمره و در جامعه فعلی، بررسی عوامل مرتبط و زمینه‌های شکل‌گیری این گرایش ضروری است. یافته‌های پژوهش Iqbalonia, ghorbani (2017) حاکی از آن بود که بین شیوه فرزندپروری والدین با تفکر انتقادی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

در این میان و با توجه به مبانی نظری عنوان شده می‌توان گفت شیوه‌های فرزندپروری پیامدهای روانشناختی مهمی دارند که از میان آنها می‌توان به سخت‌رویی (Hardiness) اشاره کرد. با توجه به اعتقاد Kobasa (1979) مبنی بر ساختار شخصیتی افرادی که درجه بالایی از تنیدگی را بدون بیماری تجربه می‌کنند، متفاوت از افرادی است که در شرایط تنیدگی‌زا بیمار می‌شوند و این تمایز شخصیتی را می‌توان سخت‌رویی نامید که دربردارنده سه مؤلفه چالش (Challenge)، کنترل (Control) و تعهد (Commitment) است (Hamidi, Ansari, 2016). نتایج پژوهش Naghipour, (2011) نشان داد که میان شیوه فرزندپروری مقتدرانه با سخت‌رویی فرزندان رابطه مثبت معنادار و میان شیوه فرزندپروری استبدادی با سخت‌رویی فرزندان، رابطه منفی معنادار وجود دارد (Mirzaei, Kadivarzare, 2014) در پژوهش خود ۹۲ درصد سخت‌رویی فرزندان را ناشی از شیوه‌های فرزندپروری مقتدرانه والدین گزارش نموده‌اند. همچنین میان شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه با سخت‌رویی فرزندان رابطه وجود ندارد. با توجه به آنچه بیان شد، از آنجا که در زمینه رابطه سبک‌های فرزندپروری با انگیزش تحصیلی و تفکر انتقادی و سخت‌رویی در ایران تحقیقات محدودی صورت گرفته است لذا، پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی سبک‌های فرزندپروری بر اساس انگیزش تحصیلی و تفکر انتقادی بواسطه سخت‌رویی انجام شد.

روش

روش پژوهش، جامعه آماری و نمونه: پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی سبک‌های فرزندپروری بر اساس انگیزش تحصیلی و تفکر انتقادی بواسطه سخت‌رویی انجام شد. روش تحقیق کاربردی و روش اجرای آن، توصیفی (غیر آزمایشی) و طرح پژوهش، همبستگی بود. جامعه آماری مورد مطالعه این پژوهش کودکان دبستانی دختر در ناحیه ۴ آموزش و پرورش کرج در سال ۱۳۹۶ بود که از بین آنها ۴۰۰ نفر با استفاده از جدول کرجسی و مورگان که ملاک‌های ورود به پژوهش را داشتند با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. داده‌های پژوهش از طریق پرسشنامه شیوه فرزندپروری بامریند (Baumrind, 1971)، پرسشنامه انگیزش تحصیلی (Harter, 1980)، پرسشنامه گرایش به تفکر انتقادی (Ricketts, 2003) و پرسشنامه سرسختی روانشناختی (Ahvaz, 1998) جمع‌آوری شد و به منظور بررسی فرضیه‌ها و تحلیل داده‌ها از روش رگرسیون چندگانه و آزمون سوبل استفاده شد. با توجه به تجزیه و تحلیل داده‌ها از بین ۴۰۰ پاسخگویی مورد مطالعه، ۱۰۸ نفر (۲۷ درصد) ۱۰ سال، ۱۷۲ نفر (۴۳ درصد) ۱۱ سال و ۱۲۰ نفر (۳۰ درصد) ۱۲ سال سن داشته‌اند، که ۹۹ نفر (۸/۲۴ درصد) در پایه چهارم، ۱۷۵ نفر (۸/۴۳ درصد) در پایه پنجم و ۱۲۶ نفر (۴/۳۱ درصد) در پایه ششم مشغول به تحصیل بوده‌اند.

ابزار سنجش:

پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری (Baumrind parenting Styles Questionnaire (BPSQ): توسط بامریند (1971 Baumrind) با هدف بررسی شیوه‌های فرزندپروری در والدین طراحی شد و دارای ۳۰ سؤال است که ۱۰ گویه سبک سهل‌گیر، ۱- گویه سبک مستبد، ۱۰ گویه سبک مقتدر را می‌سنجد. برای نمره‌گذاری مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای از کاملاً موافقم (۴) تا کاملاً مخالفم (۵) استفاده می‌شود. وی میزان پایایی این پرسشنامه را با روش بازآزمایی (test-retest reliability) با فاصله زمانی یک هفته ۰/۸۱ برای سبک سهل‌گیر، ۰/۸۵ برای سبک مستبد و ۰/۹۲ برای سبک مقتدر

(2009) ضرایب همسانی درونی را از طریق همبستگی هر سوال با نمره کل مقیاس‌ها بین ۰/۳۰ تا ۰/۷۸ بدست آورد. ضرایب آلفا و بازآزمایی مقیاس کلی انگیزش درونی به ترتیب ۰/۸۵ و ۰/۸۶ و برای مقیاس کلی انگیزش بیرونی ۰/۶۹ و ۰/۷۲ و ضرایب پاره مقیاس‌های آنها نیز بین ۰/۶۲ تا ۰/۸۱ بود. پایایی این پرسشنامه توسط (Zahiri Nav, Rajabi (2009) با آزمون آلفای کرونباخ ۰/۹۲ و آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر ۰/۸۹۱ گزارش شده است. سوالات این پرسشنامه شامل: در کلاس سوال می‌کنم زیرا می‌خواهم چیزهای جدیدی یاد بگیرم. دوست دارم بفهمم چطور می‌توانم کارهای درسی ام را بدون کمک دیگران انجام دهم و ۳۱ سوال دیگر می‌باشد.

پرسشنامه گرایش به تفکر انتقادی (Critical Thinking Disposition Inventory CTDI): توسط (Ricketts (2003) با هدف سنجش میزان تمایل به تفکر انتقادی از ۳۳ گویه و سه خرده مقیاس گرایش به خلاقیت (۷ ماده) که گرایش به کنجکاوی هوشمندانه و تمایل به دانستن حقایق موجود را اندازه‌گیری می‌کند؛ گرایش به پختگی (۵ ماده) که به اندازه‌گیری گرایش به آگاهی از مسائل و مشکلات حقیقی و پیچیده، روشنفکر بودن نسبت به نظرات و دیدگاه‌های متفاوت و آگاهی نسبت به تعصبات، امیال و پیش‌داوری‌های خود و دیگران می‌پردازد؛ گرایش به تعهد (۱۲ ماده) که گرایش افراد به جستجو برای کسب فرصت‌هایی جهت استدلال و پیش‌بینی شرایطی که به استدلال نیاز دارند و نیز اشاره به وجود اعتماد به نفس در فرآیند استدلال کردن دارد. نمره‌گذاری پرسشنامه بصورت طیف لیکرت ۵ نقطه‌ای می‌باشد. (Ricketts (2003) ضریب پایایی زیرمقیاس خلاقیت: ۰/۷۵، زیرمقیاس بالیدگی: ۰/۵۷ و زیرمقیاس تعهد: ۰/۸۶ گزارش کرده است. نسخه فارسی این ابزار در این پژوهش مورد استفاده قرار خواهد گرفت. در ایران، پژوهش (Hatami, Arkan, Heydari (2016) برای محاسبه ضریب پایایی از روش همسانی درونی (محاسبه آلفای کرونباخ) استفاده گردید. بیشترین ضریب روایی متعلق به عامل تعهد (۰/۸۱) و کمترین ضریب، متعلق به عامل پختگی (۰/۳۸) بود. همچنین، میزان همبستگی نمره مهارت‌های تفکر انتقادی با خلاقیت معنادار نبود، اما با

پدران گزارش نمود (Sadr-o-sadat, Shams, Emamipour, (2005) Barry (1991) با استفاده از روش افتراقی میزان روایی پرسشنامه را مورد بررسی قرار داد و مشاهده کرد که شیوه استبدادی رابطه منفی با شیوه سهل‌گیری $r = 0.38$ و شیوه اقتدار منطقی $(r = 0.48)$ دارد و شیوه سهل‌گیری رابطه معنی‌داری با شیوه اقتدار منطقی او نداشت $(r = 0.07)$ و برای محاسبه پایایی از روش باز آزمایی استفاده کرد و نتایج دربردارنده: ۰/۸۱ برای شیوه سهل‌گیرانه، ۰/۸۶ برای شیوه استبدادی، ۰/۷۸ برای شیوه اقتداری، بود. همچنین ثبات درونی را با استفاده از روش آلفای کرونباخ محاسبه نمود که ۰/۷۵ برای شیوه سهل‌گیری ۰/۸۵ برای شیوه استبدادی و ۰/۸۲ برای شیوه اقتدار منطقی، بدست آورد (Sohrabi, Hasani, 2007). در پژوهش (Moradian, Alipour, Shehni Yailagh, (2014) میزان پایایی برای شیوه سهل‌گیرانه ۰/۶۹، برای شیوه دیکتاتورمابانه، ۰/۷۷ و برای شیوه قاطع و اطمینان بخش ۰/۷۳، به دست آمد. آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر برای سبک فرزندپروری مستبدانه ۰/۶۹۷، سبک فرزندپروری مقتدرانه ۰/۷۰۳، سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه ۰/۷۳۶ گزارش شده است. سوالات این پرسشنامه شامل: والدین باید به بچه‌های خود اجازه دهند تا هر آن چه را که می‌خواهند، انجام دهند و بچه‌ها باید فقط از آن چه والدینشان می‌گویند، پیروی کنند، در غیر اینصورت باید آنها را تنبیه کرد و ۲۸ سوال دیگر از این دست می‌باشد.

پرسشنامه انگیزش تحصیلی (Academic Motivation Scale (AMS): توسط هارتر (Harter, 1980)، شامل ۳۳ گویه که با سؤال‌های دوقطبی یک قطب آن انگیزش درونی و قطب دیگر انگیزش بیرونی را می‌سنجد. نمره‌گذاری آن از طریق طیف لیکرت می‌باشد که از ۱= تقریباً همیشه تا ۵= هیچ‌وقت را شامل می‌شود. Harter (1980) روایی سازه این مقیاس را بر اساس پیش‌بینی میزان کفایت ادراک شده بررسی و بین میزان کفایت و پاره مقیاس‌های چالش $(r = 0.58)$ ، کنجکاوی $(r = 0.33)$ ، تسلط مستقلانه $(r = 0.54)$ و قضاوت مستقل $(r = 0.26)$ رابطه‌ای مثبت دارد، اما مقدار همبستگی با ملاک درونی خیلی پایین $(r = 0.03)$ گزارش شد. ضرایب پاره مقیاس‌های انگیزشی بین ۰/۶۸ تا ۰/۷۳ بدست آورد. Bahrani

مزلو محاسبه کردند. ضرایب بدست آمده به ترتیب ۰/۶۵، ۰/۶۷ و ۰/۶۲ بود که کلیه ضرایب در سطح ($p > 0.001$) معنادار بودند. آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر ۰/۷۳۶ گزارش شده است. سوالات این پرسشنامه شامل: خوب میدانم چه عقاید و افکار دارم. احساس میکنم عمرم صرف انجام کارهایی شده است که با معنا و ارزشمند است و ۲۵ سوال دیگر می باشد.

روش اجرا و تحلیل داده ها:

به منظور اجرای این پژوهش، ابتدا حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان تعداد ۴۰۰ نفر تعیین شد و نمونه با روش گیری خوشه ای، در جامعه آماری دانش آموزان دوره دوم دبستان در ناحیه ۴ شهر کرج، مشخص شدند و پس از اخذ مجوز های لازم از اداره آموزش و پرورش شهر کرج، پرسش نامه های مذکور در میان دانش آموزانی که برای انجام پژوهش رضایت داشتند توزیع شد و پس از پاسخدهی دانش آموزان پرسشنامه ها گرد آوری شد، داده ها با استفاده از آمار توصیفی از جمله میانگین و انحراف معیار و ... تحلیل شدند، با توجه به اینکه داده ها پیش فرض های لازم را دارا بودند، برای تجزیه و تحلیل منابع اطلاعاتی طبق آمار استنباطی از روش رگرسیون چندگانه و آزمون سوبل استفاده شد.

یافته‌ها:

آماره‌های توصیفی متغیرهای تحقیق در جدول (۱) ارائه شده است:

عامل‌های پختگی در سطح ۰/۰۳ و تعهد در سطح ۰/۰۱ معنادار گزارش شد. میزان همبستگی عامل تعهد در آزمون مقدماتی با عامل تعهد در آزمون مجدد ۰/۶۸۲، عامل خلاقیت در دو آزمون ۰/۵۴۶، عامل پختگی در دو آزمون، میزان همبستگی ۰/۳۷۲ گزارش شد. آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر ۰/۸۳۵ گزارش شده است. سوالات این پرسشنامه شامل: من همیشه بر این باورم که چیزهای بیشتری برای یادگیری وجود دارد. وقتی کسی با من مخالفت می کند من معمولاً لحن او را می دانم و ۳۱ سوال دیگر می باشد.

پرسشنامه سرسختی روانشناختی اهواز (Ahvaz Hardiness Inventory (AHI): توسط Kiamarsi, Najarian, Mehrabizadeh honarmand, (1998) با هدف تهیه مقیاسی برای سنجش سرسختی روانشناختی ساخته شد و دارای ۲۷ ماده است و نمره‌گذاری آن با لیکرت ۴ درجه‌ای (هرگز تا بیشتر اوقات) انجام می‌شود. برای سنجش همسانی درونی پرسشنامه سرسختی روانشناختی اهواز، ضریب آلفای کرونباخ به کار برده شد و بر پایه یافته‌ها ضرایب آلفا برای کل نمونه، آزمودنی‌های پسر و آزمودنی‌های دختر به ترتیب ۰/۷۶، ۰/۷۶ و ۰/۷۴ بدست آمد. برای سنجش پایایی این آزمون دوباره پس از شش هفته به ۱۱۹ دانشجو (۵۳ پسر و ۶۶ دختر) ارائه شد. ضرایب همبستگی بین نمره‌های آزمودنی‌ها در دو نوبت یعنی پیش‌آزمون و پس‌آزمون دوباره برای کل آزمودنی‌ها ۰/۸۴، آزمودنی‌های پسر ۰/۸۴ و آزمودنی‌های دختر ۰/۸۵ به دست آمد. Ghafouri Vernosfadarani, Kamali, Nouri, (2008) روایی این آزمون را به روش روایی همزمان با سه ملاک، مقیاس اضطراب عمومی، پرسشنامه افسردگی و خودشکوفایی

جدول ۱: شاخص های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کمترین	بیشترین
انگیزش تحصیلی	۱۲۳/۴۰	۱۶/۵۳	۱۶	۱۵۲
تفکر انتقادی	۱۱۰/۴۱	۱۲/۵۹	۴۶	۱۳۷
سخت‌رویی	۶۳/۴۶	۶/۰۱	۳۷	۷۶
سبک فرزندپروری	۱۲/۷۷	۵/۹۱	۰	۴۰

مستبدانه

سبک فرزندپروری مقتدرانه	۲۶/۵۷	۵/۰۷	۶	۳۷
سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه	۲۶/۸۵	۵/۱۴	۸	۳۹

نتایج آزمون نرمال بودن متغیرها بر اساس آزمون کلموگراف اسمیرنوف نشان داد که معنی‌داری متغیرهای تحقیق از سطح معنی‌داری $\alpha=0/05$ بالاتر است، لذا در این سطح فرض H_0 یعنی نرمال بودن داده‌ها رد نمی‌شود، بنابراین می‌توان گفت که متغیرهای تحقیق دارای توزیع نرمال هستند. در ادامه آماره‌های آزمون همبستگی پیرسون ارائه شده است: (۲). تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که ضرایب همبستگی آزمون پیرسون بین سبک‌های فرزندپروری مقتدرانه، مقتدرانه

جدول ۲: آماره‌های آزمون همبستگی پیرسون بین سبک‌های فرزندپروری و انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان

متغیر	انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان		
	ضریب همبستگی	معنی‌داری	وجود رابطه
سبک فرزندپروری مقتدرانه	-۰/۴۹	۰/۰۰۱	دارد
سبک فرزندپروری مقتدرانه	۰/۶۳۸	۰/۰۰۱	دارد
سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه	۰/۲۱	۰/۰۰۱	دارد

تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که ضرایب همبستگی آزمون پیرسون بین سبک‌های فرزندپروری مقتدرانه، مقتدرانه و سهل‌گیرانه با تفکر انتقادی دانش‌آموزان به ترتیب برابر $-0/382$ ، $0/359$ و $0/187$ با مقدار p (معنی‌داری) $0/001$ که

جدول ۳: آماره‌های آزمون همبستگی پیرسون بین سبک‌های فرزندپروری و تفکر انتقادی دانش‌آموزان

متغیر	تفکر انتقادی دانش‌آموزان		
	ضریب همبستگی	معنی‌داری	وجود رابطه
سبک فرزندپروری مقتدرانه	-۰/۳۸۲	۰/۰۰۱	دارد
سبک فرزندپروری مقتدرانه	۰/۳۵۹	۰/۰۰۱	دارد
سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه	۰/۱۸۷	۰/۰۰۱	دارد

برای بررسی رابطه خطی بین ابعاد متغیر پیش‌بین (متغیر مستقل) و متغیر ملاک (متغیر وابسته) از رگرسیون چندگانه به روش همزمان استفاده شده است. قبل از اجرای رگرسیون همبستگی بین متغیرهای پیش‌بین و ملاک توسط همبستگی در

مرحله پیشین به دست آورده شد تا در مرحله بعد معنی‌داری رگرسیون مورد آزمون قرار گیرد. با توجه به اینکه مقدار آماره دوربین واتسون در دامنه ۱/۵ و ۲/۵ قرار دارد، لذا می‌توان گفت خطاها نا هم بسته‌اند. همچنین نتایج به دست آمده از جدول تحلیل واریانس نشان دهنده این است که مدل رگرسیونی معنی‌دار است (سطح معنی‌داری کوچک‌تر از ۰/۰۵). نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون در جداول ۴، ۵ و ۶ آورده شده است.

جدول ۴: خلاصه مدل همبستگی چندگانه همبستگی بین سبک‌های فرزندپروری و انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان

دوربین واتسون	$R^2_{(adj)}$	R^2	R	R
۱/۹۹	۰/۴۱۶	۰/۴۲۱	۰/۶۴۹	انگیزش تحصیلی
۲/۰۰۲	۰/۱۷۲	۰/۱۷۸	۰/۴۲۲	تفکر انتقادی

می‌باشد، پس سبک‌های فرزندپروری ۰/۴۱۶ واریانس سب انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان را تبیین می‌کنند.

با توجه به این که مقدار محاسبه شده از آزمون (۰/۰۰۱) کمتر از سطح معنی‌دار ۰/۰۵ است، در نتیجه مدل رگرسیون خطی معنی‌دار می‌باشد، یعنی بین سبک‌های فرزندپروری مستبدانه، مقتدرانه و سهل‌گیرانه با تفکر انتقادی دانش‌آموزان رابطه خطی معنی‌داری وجود دارد. ضریب همبستگی چندگانه $r=0/422$ می‌باشد که نشان دهنده میزان روابط همزمان سبک‌های فرزندپروری مستبدانه، مقتدرانه و سهل‌گیرانه با تفکر انتقادی دانش‌آموزان می‌باشد و با توجه به اینکه سطح معنی‌داری برابر ۰/۰۰۱ و کوچکتر از سطح $\alpha=0/05$ است. بنابراین این رابطه معنی‌دار می‌باشد. با توجه به اینکه مقدار R^2_{adj} (تعدیل شده R^2)، برابر با ۰/۱۷۲ می‌باشد، پس سبک‌های فرزندپروری ۰/۱۷۲ واریانس سبک تفکر انتقادی دانش‌آموزان را تبیین می‌کنند.

پیش‌بین: سبک‌های فرزندپروری مستبدانه، مقتدرانه و سهل‌گیرانه

متغیر ملاک: انگیزش تحصیلی و تفکر انتقادی دانش‌آموزان

با توجه به این که مقدار محاسبه شده از آزمون (۰/۰۰۱) کمتر از سطح معنی‌دار ۰/۰۵ است، در نتیجه مدل رگرسیون خطی معنی‌دار می‌باشد، یعنی بین سبک‌های فرزندپروری مستبدانه، مقتدرانه و سهل‌گیرانه با انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان رابطه خطی معنی‌داری وجود دارد. ضریب همبستگی چندگانه $r=0/649$ می‌باشد که نشان دهنده میزان روابط همزمان سبک‌های فرزندپروری مستبدانه، مقتدرانه و سهل‌گیرانه با انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان می‌باشد و با توجه به اینکه سطح معنی‌داری برابر ۰/۰۰۱ و کوچکتر از سطح $\alpha=0/05$ است. بنابراین این رابطه معنی‌دار می‌باشد. با توجه به اینکه مقدار R^2_{adj} (تعدیل شده R^2)، برابر با ۰/۴۱۶

جدول ۵: تحلیل واریانس همبستگی بین سبک‌های فرزندپروری و انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان

معنی‌داری	آماره F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	مدل
		۱۵۲۸۹/۱۱	۳	۴۵۸۶۷/۳۳	رگرسیون
۰/۰۰۱	۹۵/۸۶	۱۵۹/۴۹۸	۳۹۶	۶۳۱۶۱/۰۶	باقیمانده
		-	۳۹۹	۱۰۹۰۲۸/۳۹	کل

تحصیلی دانش‌آموزان را پیش‌بینی کرد، اما بر اساس سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه نمی‌توانیش تحصیلی دانش‌آموزان را پیش‌بینی کرد و مهمترین پیش‌بینی کننده انگیزش تحصیلی

با توجه به مقدار β برای سبک‌های فرزندپروری مستبدانه و مقتدرانه که به ترتیب برابر ۰/۱۳۶- و ۰/۵۳۷ می‌باشد، پس با سبک‌های فرزندپروری مستبدانه و مقتدرانه می‌توان انگیزش

دانش‌آموزان به ترتیب سبک‌های فرزندپروری مقتدرانه و مستبدانه می‌باشد. و سبک فرزندپروری مقتدرانه باعث افزایش انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان و سبک فرزندپروری مستبدانه باعث کاهش انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان می‌شود.

جدول ۶: تحلیل واریانس همبستگی بین سبک‌های فرزندپروری و تفکر انتقادی دانش‌آموزان

مدل	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	معنی‌داری
رگرسیون	۱۱۲۶۲/۳۱۹	۳	۳۷۵۴/۱۱		
باقیمانده	۵۲۰۲۸/۷۹۱	۳۹۶	۱۳۱/۳۸۶	۲۸/۵۷	۰/۰۰۱
کل	۶۳۲۹۱/۱۱	۳۹۹	-		

طریق غیرمستقیم توسط متغیر میانجی سخت‌رویی تبیین می‌شود، اما معنی‌داری نقش میانجی سخت‌رویی در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه با انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان بزرگتر ۰/۰۵ می‌باشد، لذا در این سطح فرض H_0 یعنی عدم وجود رابطه رد نمی‌شود و در نتیجه سخت‌رویی در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه با انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان نقش میانجی ندارد. همچنین معنی‌داری نقش میانجی سخت‌رویی در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری مستبدانه، مقتدرانه و سهل‌گیرانه با تفکر انتقادی دانش‌آموزان کوچکتر از ۰/۰۵ هست، لذا در این سطح فرض H_0 یعنی عدم وجود رابطه رد می‌شود و در نتیجه سخت‌رویی در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری مستبدانه، مقتدرانه و سهل‌گیرانه با تفکر انتقادی دانش‌آموزان نقش میانجی دارد، مقدار VAF برای سبک‌های فرزندپروری مستبدانه، مقتدرانه و سهل‌گیرانه به ترتیب ۰/۱۷۸، ۰/۱۹۹ و ۰/۲۱۹ می‌باشد و این بدان معناست که به ترتیب ۰/۱۷۸، ۰/۱۹۹ و ۰/۲۱۹ درصد از رابطه بین سبک‌های فرزندپروری مستبدانه، مقتدرانه و سهل‌گیرانه با تفکر انتقادی دانش‌آموزان از طریق غیرمستقیم توسط متغیر میانجی سخت‌رویی تبیین می‌شود.

با توجه به p مقدار محاسبه شده در آزمون ضرایب مدل رگرسیون H_0^1 ، H_0^2 و H_0^3 در سطح ۰/۰۵ رد می‌شود، با توجه به مقدار β برای سبک‌های فرزندپروری مستبدانه، مقتدرانه و سهل‌گیرانه که به ترتیب برابر ۰/۲۵۹-، ۰/۱۶۶ و ۰/۱۰۶ می‌باشد، پس با سبک‌های فرزندپروری مستبدانه، مقتدرانه و سهل‌گیرانه می‌توان تفکر انتقادی دانش‌آموزان را پیش‌بینی کرد، و مهمترین پیش‌بینی کننده تفکر انتقادی دانش‌آموزان به ترتیب سبک‌های فرزندپروری مستبدانه، مقتدرانه و سهل‌گیرانه می‌باشد. و سبک فرزندپروری مستبدانه باعث کاهش تفکر انتقادی دانش‌آموزان و سبک‌های مقتدرانه و سهل‌گیرانه باعث افزایش تفکر انتقادی دانش‌آموزان می‌شود.

مدل پیش‌بینی

تفکر انتقادی دانش‌آموزان = $۹۹/۵۵ - ۰/۵۵ * \text{سبک مقتدرانه} + ۰/۴۱۲ * \text{سبک مستبدانه} + ۰/۲۵۹ * \text{سبک مستبدانه}$

در نهایت تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق آزمون سوبل نشان داد که معنی‌داری نقش میانجی سخت‌رویی در رابطه بین سبک فرزندپروری مقتدرانه و انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان کوچکتر از ۰/۰۵ هست، مقدار VAF برابر ۰/۱۶ می‌باشد و این بدان معناست که ۰/۱۶ درصد از رابطه بین سبک فرزندپروری مقتدرانه و انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان از

جدول ۷: آماره آزمون سوبل و VAF مربوط به نقش میانجی سخت‌رویی در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری با انگیزش تحصیلی و

تفکر انتقادی دانش‌آموزان

sig	VAF	z	Sb	Sa	c	b	a	
۰/۱۷	۰/۱۲۶	۱/۷۲	۱۵/۳۱	۵/۹۱	-۰/۴۹	۰/۳۸	-۰/۱۸۶	مستبدانه * سخت‌رویی * انگیزش تحصیلی
۰/۰۴۸	۰/۱۶	۱/۹۷	۱۵/۳۱	۵/۸۹	۰/۶۳۸	۰/۳۸	۰/۲۰۱	مقتدرانه * سخت‌رویی * انگیزش تحصیلی
۰/۳۹۱	۰/۱۷۵	۱/۰۷	۱۵/۳۱	۵/۹۷	۰/۲۱	۰/۳۸	۰/۱۱۸	سهل‌گیرانه * سخت‌رویی * انگیزش تحصیلی
۰/۰۰۱	۰/۱۷۸	۳/۷۲	۱۱/۲۸	۵/۹۱	۰/۳۸۲	۰/۴۴۶	-۰/۱۸۶	مستبدانه * سخت‌رویی * تفکر انتقادی
۰/۰۰۱	۰/۱۹۹	۴/۰۵	۱۱/۲۸	۵/۸۹	۰/۳۵۹	۰/۴۴۶	۰/۲۰۱	مقتدرانه * سخت‌رویی * تفکر انتقادی
۰/۰۰۱	۰/۲۱۹	۲/۳۱	۱۱/۲۸	۵/۹۷	۰/۱۸۷	۰/۴۴۶	۰/۱۱۸	سهل‌گیرانه * سخت‌رویی * تفکر انتقادی

بدان معناست که به ترتیب ۰/۱۷۸، ۰/۱۹۹ و ۰/۲۱۹ درصد از رابطه بین سبک‌های فرزندپروری مستبدانه، مقتدرانه و سهل‌گیرانه با تفکر انتقادی دانش‌آموزان از طریق غیرمستقیم توسط متغیر میانجی سخت‌رویی تبیین می‌شود (جدول ۷).

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی سبک‌های فرزندپروری بر اساس انگیزش تحصیلی و تفکر انتقادی بواسطه سخت‌رویی بود. نتایج حاکی از آن بود که سخت‌رویی در رابطه بین سبک فرزندپروری مقتدرانه و انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان نقش میانجی دارد و در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه با انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان نقش میانجی ندارد. همچنین رابطه بین سبک‌های فرزندپروری مستبدانه، مقتدرانه و سهل‌گیرانه با تفکر انتقادی دانش‌آموزان از طریق غیرمستقیم توسط متغیر میانجی سخت‌رویی تبیین می‌شود.

نتایج نشان می‌دهد والدین از طریق سبک‌های فرزندپروری‌شان تأثیرات بسیار مهم و چشمگیری در پیشرفت

در نهایت تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق آزمون سوبل نشان داد که معنی‌داری نقش میانجی سخت‌رویی در رابطه بین سبک فرزندپروری مقتدرانه و انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان کوچکتر از ۰/۰۵ هست، مقدار VAF برابر ۰/۱۶ می‌باشد و این بدان معناست که ۰/۱۶ درصد از رابطه بین سبک فرزندپروری مقتدرانه و انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان از طریق غیرمستقیم توسط متغیر میانجی سخت‌رویی تبیین می‌شود، اما معنی‌داری نقش میانجی سخت‌رویی در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه با انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان بزرگتر ۰/۰۵ می‌باشد، لذا در این سطح فرض H_0 یعنی عدم وجود رابطه رد نمی‌شود و در نتیجه سخت‌رویی در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه با انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان نقش میانجی ندارد. همچنین معنی‌داری نقش میانجی سخت‌رویی در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری مستبدانه، مقتدرانه و سهل‌گیرانه با تفکر انتقادی دانش‌آموزان کوچکتر از ۰/۰۵ هست، مقدار VAF برای سبک‌های فرزندپروری مستبدانه، مقتدرانه و سهل‌گیرانه به ترتیب ۰/۱۷۸، ۰/۱۹۹ و ۰/۲۱۹ می‌باشد و این

همچنین در تبیین نتایج میتوان گفت، تفکر انتقادی فرآیندی است توأم با کنجکاوی، نظم، تحلیل‌گری، اعتماد به خود که توانمندی فرد در حل مسائل مختلف و برخورد با مصائب پیش رو را تا حد زیادی بالا می‌برد و افرادی که از این توانمندی برخوردار هستند با کسب موفقیت‌های مختلف در برخورد با مسائل و مشکلات زندگی و حل آنها به شیوه‌های کارآمد، اطمینانشان نسبت به توانمندی خویش افزایش پیدا می‌کند و نگرش خودکارآمدی در آنها شکل می‌گیرد. والدینی که از این سبک فرزندپروری مقتدرانه برخوردار هستند، فرزندان‌شان از یک سو از طریق فرآیند الگوگیری، توانمندی تفکر انتقادی را در خودشان ایجاد می‌کنند و از سوی دیگر تشویق و تقویت فرزندان توسط والدین، برای به‌کارگیری این توانمندی، احتمال شکل‌گیری آن را در فرزندان افزایش می‌دهد، عاملی که (تفکر انتقادی) ایجاد آن در فرزند با بالابردن توانایی وی در حل مسائل و مشکلات مختلف، زمینه شکل‌گیری حس توانمندی و خودکارآمدی را در فرزندان فراهم می‌کند. نتایج این پژوهش با پژوهش‌های زیر همخوان بوده است:

Iqbalonia, ghorbani, (2017); Dehghani Firoozabadi, Okhovat, (2015); Salari, Karshki, Abdulkhodai, (2013).

همسو با پژوهش حاضر، نتایج پژوهش Dehghani (2015) Firoozabadi, Okhovat نشان داد رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری با تفکر انتقادی، معنی‌دار است. همچنین (2014) Jokar, Golshani در پژوهش خود نشان دادند بین شیوه‌های فرزندپروری با تفکر انتقادی رابطه معنی‌دار وجود دارد و با توجه به شیوه فرزندپروری سهم بی‌اعتمادی، پذیرش، ایثار در پیش‌بینی تفکر انتقادی بیشتر است. همچنین نتایج پژوهش Salari, Karshki, Abdulkhodai (2013) نشان داد که مولفه‌های ادراک والدینی، انگیزش و گرایش به تفکر انتقادی دویه دو با یکدیگر همبستگی دارند. علاوه بر این اجرای الگوی معادلات ساختاری نشان داد که الگوی پیشنهادی با داده‌ها برازش دارند و گرایش به تفکر انتقادی از طریق انگیزش درونی و ادراک والدینی قابل پیش‌بینی است. به عبارت دیگر، ادراک والدینی مستقیماً از طریق انگیزش تحصیلی با گرایش به تفکر انتقادی رابطه دارد.

تحصیلی فرزندان در سطوح مختلف آموزش دارند. کودکان و جوانان، برای موفقیت در آموزش عالی و زندگی‌شان نیازمند انگیزش تحصیلی هستند، به همین دلیل برخی از محققان پیشنهاد کرده‌اند که حمایت خانواده از نوجوانان، پشتیبان محکمی در طول زندگی آنها، به خصوص طی سال‌های تحصیل است (Rice, Cole, Lapsley, 1990). در بسیاری از مطالعات تجربی، محققان تلاش کرده‌اند که اثرات سبک‌های فرزندپروری را بر پیامدهای مختلف تحولی کودکان و نوجوانان از جمله در انگیزش و پیشرفت تحصیلی آنها توضیح دهند (Ingoldby, Schvaneveldt, Supple, Steinberg, 2001; Baumrind, 1971; Bush, 2004). در این مطالعات به طور مداوم اثبات شده است که کودکان و نوجوانانی که در خانواده‌هایی بزرگ شده‌اند که سبک فرزندپروری مقتدر در آن وجود داشته است، در مدرسه در مقایسه با کسانی که در خانواده‌هایی بزرگ شده‌اند که انواع دیگر سبک‌های فرزندپروری را اتخاذ کرده‌اند، انگیزه بیشتر و کارایی بهتری دارند. این یافته با یافته‌های زیر همسو است:

Abesha, (2012); Abar, Carter, Winsler, (2009); Ejei, Gholamali Lavasani, Malahmadi, Khezri, (2011); Ingoldby, Schvaneveldt, Supple, Bush, (2004); Bruke, (2005); Turner, Chandler, Heffer, (2009); Tozandehjani, Tavakolizadeh, Lagzian, (2011).

همچنین (2015) Rahimi Pardanjanani در پژوهش خود با هدف بررسی سبک‌های فرزندپروری با انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان نشان داد که بین درگیری والدین با انگیزش تحصیلی رابطه معنی‌داری وجود ندارد، اما بین حمایت از خودمختاری والدین و گرمی والدین با انگیزش تحصیلی رابطه مثبت معنی‌داری وجود دارد و سبک‌های فرزندپروری والدین قدرت پیش‌بینی انگیزش تحصیلی را دارند. و Niksirt, (2016) Khademi Eskandari, Hashemi در پژوهشی با عنوان رابطه شیوه‌های فرزندپروری والدین با انگیزش پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان دختر، همسو با پژوهش حاضر نشان دادند که، شیوه‌های فرزندپروری ۹/۶ درصد از واریانس انگیزش درونی و ۱۷/۶ درصد از واریانس انگیزش بیرونی را تبیین می‌کند.

تعمیم‌پذیری یافته‌ها، مشابه این پژوهش در نمونه‌های گسترده‌تر و در بین پسران شهرهای دیگر نیز تکرار گردد. محدودیت دیگر، استفاده صرف از پرسشنامه‌های خودگزارشی، با افزایش احتمال عدم صداقت، بی‌دقتی و اهمال‌کاری دانش‌آموزان در پاسخگویی، به رغم مراقبت پژوهش‌گر و استفاده از روش‌های برانگیزاننده، برای رفع این مشکل، کاهش روایی سازه پیشنهاد می‌شود، همزمان با اجرای پرسشنامه از آزمودنی‌ها مصاحبه‌ای هم به عمل آید و همچنین از روش‌های آزمایشی برای تعیین عوامل اثرگذار استفاده شود. یافته‌های پژوهش حاضر در سطح نظری و عملی می‌تواند مفید باشد. سبک‌های فرزندپروری در زندگی تحصیلی فرزندان تاکید می‌کند. روشن شدن تاثیری که این سبک‌ها بر انگیزه تحصیلی و تفکر انتقادی دارند را نشان می‌دهد که لازم است والدین نسبت به آنها آگاه باشند و نیازها و توانایی‌هایی فرزندان را به خوبی بشناسند. در سطح عملی براساس یافته‌های پژوهش، به والدین پیشنهاد می‌شود با توجه به تاثیر مثبتی که سبک فرزندپروری مقتدر بر انگیزه تحصیلی، تفکر انتقادی و سخت‌رویی فرزندان می‌گذارد، با دریافت آگاهی‌ها و آموزش کافی بکوشند تا برای تربیت فرزندان خود از این سبک فرزندپروری استفاده کنند.

منابع

- Abar B, Carter KL, Winsler A. (2009). The effects of maternal parenting style and religious commitment on self-regulation, academic achievement, and risk behavior among AfricanAmerican parochial college students. *Journal of Adolescence*, 32: 259-273.
- Abesha AG. (2012). Effects of parenting styles, academic self-efficacy, and achievement motivation on the academic achievement of university students in Ethiopia. *A dissertation submitted in fulfillment of the requirements for the award of Doctor of Philosophy*, School of Psychology and Social Science, Faculty of Computing, Health, and Science, Edith Cowan University.
- Acharya N, Joshi S. (2009). Influence of parents' education on achievement motivation of adolescents. *Indian Journal of Social Science Researches*, 6: 72-79.

همچنین نتایج نشان داد میان سبک فرزندپروری با سخت‌رویی رابطه معنادار وجود دارد. فردی که میزان خصیصه چالش در او زیاد است رویدادهای زندگی را به منزله فرصتی برای پویایی و سازگاری مجدد و میدانی برای پژوهش و ارتقای خویشتن تلقی می‌نماید و در برابر این رویدادها تسلیم منفعلانه را انتخاب نمی‌کند. فردی که مؤلفه کنترل در او زیاد است، احساس تاثیرگذاری بر جریان زندگی خود دارد و خود را در تغییر و دگرگونی شرایط، توانا و مسئول می‌بیند. فردی که از تعهد بیشتری برخوردار است نه تنها خود را واجد ارزش می‌بیند بلکه در زندگی رویدادهایی را که اهمیت و معنای زیستن را برای وی بر جسته می‌سازند نیز ارزشمند می‌داند (Maddi, 2013).

در تبیین این یافته می‌توان گفت گر والدین نیازهای عاطفی و شناختی فرزندان را با اقتدار (پذیرش و محدودیت با احترام) برآورده کنند آنان دنیای پیرامون خود را با ارزش می‌بینند و حس تعهد در آنها شکل می‌گیرد؛ اگر به آنها امکان ابراز وجود دهند و فرزندان احساس کنند که در حل مسائل قابلیت و شایستگی کافی و بر محیط خود تسلط کافی دارند، حس کنترل در آنها به وجود می‌آید و در نهایت وقتی والدین به فرزندان بیاموزند که تجربه‌های متنوع در زندگی با ارزش اند، حس چالش‌طلبی در آنها بروز می‌کند. این یافته‌ها با نتایج زیر همخوانی دارند:

- Naghipour, (2011); Mirzaei, Kadivarzare, (2014); Dwairy, Menshar, (2006).

همسو با پژوهش حاضر، پژوهش Rezaei, Saburi, (2014) Ismailpour, (2014) با هدف بررسی رابطه سبک فرزندپروری با سخت‌رویی دانش‌آموزان دختر و پسر مدارس متوسطه نشان دادند که بین شیوه فرزندپروری مقتدرانه با سخت‌رویی فرزندان رابطه مثبت معنی‌دار و بین شیوه فرزندپروری استبدادی با سخت‌رویی رابطه منفی معنی‌داری وجود دارد. همچنین بین شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه با سخت‌رویی رابطه معناداری وجود ندارد.

یکی از محدودیت‌های پژوهش حاضر، جامعه آماری آن بود که تنها دانش‌آموزان دبستانی دختران شهرستان کرج را در بر می‌گرفت؛ پیشنهاد می‌شود جهت افزایش گستره

- science process skills and critical thinking skills levels. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 2: 3282-3288.
- Amelia, M. A. (2012). Parental substance use impairment, parenting and substance use disorder risk. *Journal of Substance Abuse Treatment*, 43(1): 114-122.
- Bahrani, M. (2009). Evaluation of validity and reliability of Harter Academic Motivation Questionnaire. *Psychological Studies*, 5 (1): 72-52. [Persian]
- Baranoff, J, and Oei, Tian Po S. (2009). Young schema questionnaire: review of psychometric and measurement issues. *Australian Journal of psychology*, 7(8): 90-120.
- Baumrind, D. (1971). Current patterns of parental authority. *Journal of Developmental Psychology Monographs*, 4: 1-102.
- Beck, A. T. (2011). Cognitive therapy and the emotional disorders. New York: International Universities Press.
- Brent, F., Lorig, K. K., & Danielle, S. M. (2010). Alcoholism, associated risk factors, and harsh parenting among fathers: Examining the role of marital aggression. *Addictive Behaviors*, 35(6): 541-548.
- Bruke MU. (2005). Familial influence on self-efficacy: Exploring the relationship between perceived parenting style, current social support, and self-efficacy beliefs in a sample of non-traditional college students. Dissertation presented in partial fulfillment of the requirements for the degree doctor of Philosophy, *Faculty of Psychology*, Capella University.
- Dehghani Firoozabadi, F; Okhovat, A. (2015). Investigating the Stylistic Relationship of Parents' Parenting on Critical Thinking of Sixth Grade Female Students. *International Conference on Research in Behavioral and Social Sciences*, Istanbul, Turkey. [Persian]
- Dwairy M, Menshar KE. (2006). Parenting style, individuation, and mental health of Egyptian adolescents. *Journal of adolescence*, 29(1): 103-117.
- Ejei, J; Gholamali Lavasani, M; Malahmadi, E; Khezri, H. (2011). The Relationship between Parenting Styles and Academic Achievement through the
- Aktamis H, Yenice N. (2010). Determination of the Mediating Influences of Achievement Goals and Academic Self-Efficacy. *Journal of Psychology*, 3(59): 284-301. [Persian]
- Ghafouri Vernosfadarani, M; Kamali, M; Nouri, A. (2008). The Relationship between Motivation for Progress and Psychological Stubbornness with Excitement and Responsibility, *Journal of Knowledge and Research in Applied Psychology*, 10 (36): 165-188. [Persian]
- Hamidi, F; Ansari, Sh. (2016). The relationship between parents 'parenting styles and students' hardiness and psychological well-being. *Journal of Family and Research*, 13 (3): 47-66. [Persian]
- Harter S, (1980). A model of mastery motivation in children: Individual differences and developmental change, In W. A. Collins, *Minnesota Symposium on child psychology*, vol.14 (pp.213-225). Hill Sdale, NJ Erlbaum.
- Harter S, (1981). A new self-report scale of intrinsic versus extrinsic orientation in classroom: Motivational and informational components, *Developmental Psychology*, 17 (3): 300-312.
- Hatami, S; Arkan, A; Heydari, M. (2016). Investigating the Psychometric Properties of the Critique of Tendency to Critical Thinking among Students of Tehran University Cognitive Psychology, 4 (10): 14-1. [Persian]
- Ingoldby B, Schvaneveldt B, Supple A, Bush K. (2004). The relationship between parenting behaviors and adolescent achievement and self-efficacy in Chile and Ecuador. *Marriage and Family Review*, 35: 139-159.
- Iqbalonia, Z; ghorbani, A. (2017). Investigating the relationship between parents' parenting style and critical thinking and emotional intelligence. *Fifth International Conference on Psychology of Educational Sciences and Lifestyle*, Takestan Institute of Higher Education. Payame Noor University, Qazvin. [Persian]
- Jokar, F; Golshani, F. (2014). The relationship between parenting styles and identity styles with critical thinking. Master Thesis in Psychology, Islamic Azad University, Central Tehran Branch. [Persian]
- Kiamarsi, A; Najarian, B; Mehrabizadeh honarmand, M. (1998). Build and validate a scale for measuring

- psychological toughness. *Journal of the Psychological Association*, 7: 271-285. [Persian]
- Kobasa, S. C. (1979). Stressful life events, personality, and health: An inquiry into hardiness. *Journal of Personality and Social Psychology*, 37(1): 1-11.
- Maddi SR. (2013). Hardiness: Turning stressful circumstances into resilient growth (pp. 29-41). Springer.
- Marwat, A; Salimi Bejestani, H; Farahbakhsh, K. (2012). Investigating the prevalence of academic negligence and its relationship with self-regulation and motivation for academic achievement in high school students in Tehran. Master Thesis in Psychology, *Allameh Tabatabai University*, Tehran. [Persian]
- McGuire LA. (2010). Improving student critical thinking and perceptions of critical thinking through direct instruction in rhetorical analysis. *Thesis of Doctor of Philosophy*. Capella University.
- Mirzaei F. Kadivarzare HA. (2014). Relationship between parenting styles and hardiness in high school students. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 116: 3793 – 3797. 5th World Conference on Educational Sciences –WCES. [Persian]
- Moradian, J; Alipour, S; Shehni Yailagh, M. (2014). The causal relationship between parenting styles and academic performance mediated by the role of academic self-efficacy and achievement motivation in the students. *Family Psychology* . 1(1): 63-74. [Persian]
- Naghipour, M. (2011). The relationship between parenting styles and parents' stubbornness. *Journal of Educational Psychology*, 2 (2): 13-30. [Persian]
- Niksirt, F; Khademi Eskandari, M; Hashemi, Z. (2016). in a study entitled The relationship between parenting styles and motivation for academic achievement in female students. *New Educational Thoughts*, 12 (4): 174-151. [Persian]
- Rahimi Pardanani, T. (2015). The Relationship between Perceptions of Parenting Styles and Students' Academic Motivation, *2nd International Conference on Psychology*, Educational Sciences and Lifestyle, Torbat Heydariyeh University, Mashhad. [Persian]
- Rezaei, M; Saburi, H; Ismailpour, Kh. (2014). Investigating the relationship between parenting style and hardship and assertiveness. Master Thesis in Clinical Psychology, University of Tabriz. [Persian]
- Rice KG, Cole DA, Lapsley DK. (1990). Separation-individuation, family cohesion, and adjustment to college: Measurement validation and a test of a theoretical model. *Journal of Counseling Psychology*, 37:195-202.
- Ricketts JC. (2003). The efficacy of leadership development, critical thinking dispositions, and student academic performance on the critical thinking skills of selected youth leaders. *Doctoral dissertation, University of Florida*.
- Sadr-o-sadat, j; Shams, H; Emamipour, S. (2005). Comparison of parenting practices and family functioning in poorly cared for families with behavioral disorders and normal. *Journal of shahrekoord university*. 2:43-48. [Persian]
- Salari, M; Karshki, H; Abdulkhodai, M. (2013). The role of parental perception and academic motivation in students' tendency to critical thinking. *Teaching and Learning Studies*, 5 (1): 47-64. [Persian]
- Sohrabi,F; Hasani,A. (2007). Parenting practices and antisocial behaviors of adolescent girls. *Journal of Psychology*, 1(11): 79-89. [Persian]
- Steinberg L. (2001). We know some things: Parent-adolescent relationships in retrospect and prospect. *Journal of Research on Adolescence*, 11: 1-19.
- Tozandehjani, H; Tavakolizadeh,J; Lagzian, Z. (2011). The effect of parenting styles on self-efficacy and mental health of students. *Journal of gonabad university of medical sciences*, 2(17): 56-64. [Persian]
- Turner EA, Chandler M, Heffer RW. (2009). Influence of parenting styles, achievement motivation, and self-efficacy on academic performance in college students. *Journal of College Student Development*, 50: 337-346.
- Zahiri Nav, B; Rajabi, S. (2009). Investigating the relationship between a group of variables and reducing the academic motivation of Persian language and literature students, *Daneshvar Behavior Magazine*, 16 (36): 80-69. [Persian]